

پیشرفت نعمت الهی

چکیده

این مقاله با تکیه بر آیات قرآن، ابعاد مختلف پیشرفت را بررسی کرده است و ضمن بیان اینکه از نگاه قرآن پیشرفت لطفی الهی است، محور توسعه را توسعه انسانی می‌داند. همچنین داشتن نگاهی جامع به اسلام از دیگر موضوعاتی است که نویسنده بر آن تأکید کرده است.

واژگان کلیدی: پیشرفت، عزتمندی، توسعه انسانی، عدالت



توسعه عزت‌مندانه

حجت‌الاسلام و المسلمین محمدصادق یوسفی مقدم
مدیر مرکز فرهنگ و معارف قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی



از منظر دین و قرآن، پیشرفت یعنی توسعه عزت‌مندانه مادی و معنوی در جامعه اسلامی در ابعاد گوناگون که عنوان «عزت‌مندانه» مفهوم کلیدی این تعریف است. جامعه پیشرفته از نگاه اسلام، جامعه‌ای است که از جهات مذهبی، اخلاقی، زیباشناختی، فنی و علمی همواره در حال ارتقا باشد و با عزت و اقتدار، در سطح جهان الگوی دیگر کشورها قرار گیرد. بر این اساس جامعه‌ای از دیدگاه اسلامی پیشرفته محسوب می‌شود که افزون بر ارتقا، در جهات مختلف با عزت و اقتدار الگوی سایر جوامع شود در سوره مبارکه که قصص آیات ۴ الی ۶ می‌فرماید: «و نرید ان نمین علی الذین استضعفو فی الارض» در این قسمت از آیه وعده خدا به مستضعفین مطرح می‌شود. در ادامه قرآن می‌فرماید: «و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین»، این امت را ائمه، پیشوا، الگو و وارث زمین قرار می‌دهیم. از کلمه وارث استفاده شده است که وارث بر موروث مسلط می‌شود. در ادامه می‌گوید: «و نمکن لهم فی الارض»، یعنی آنها را بر کل زمین مسلط می‌کنیم. در سوره کهف از آیه ۸۳ به بعد، خداوند جریان ذی‌القرنین را مطرح می‌کند که طرح جریان ذی‌القرنین بیانگر این است که اسلام به توسعه مادی نیز نظر دارد. قرآن درباره ذوالقرنین

می‌فرماید: «انا مکنا له فی الارض و اتیناه من کل شیء سبیا؛ ما به او اذی‌القرنین» قدرت دادیم در زمین از هر چیزی به او وسیله‌ای بخشیدیم». این آیه بیانگر توسعه دانش در حاکمیت ذی‌القرنین است و بر اثر لطف الهی، از هر چیزی سببی به او عطا شده بود.

پیشرفت عزت‌مندانه مادی و معنوی، پیشرفتی همه‌جانبه است و جامعه پیشرفته آن است که از همه جهات، از جمله جهات مذهبی و اخلاقی رشد بکند و به‌عنوان الگو برای جوامع دیگر مطرح باشد. هنگامی که صحبت از پیشرفت و جامعه پیشرفته می‌شود، پیشرفت در زمینه مذهبی نیز یکی از محورهای پیشرفت است که با پیشرفت مادی در هم تنیده شده‌اند. یعنی این‌گونه نیست که در اسلام بحث مادیات متمایز از بحث معنویات باشد؛ بلکه دو مقوله در هم تنیده هستند. هرچند ما به جهت نداشتن تعبیر در تنگنا قرار می‌گیریم و بُعد مادی و معنوی را از هم جدا می‌کنیم؛ اما در حقیقت آنجایی که پیشرفت مادی اتفاق می‌افتد، پیشرفت معنوی نیز رخ می‌دهد و پیشرفت معنوی را نمی‌توان امری جداگانه و مستقل از پیشرفت مادی در نظر گرفت. از منظر دین، پیشرفت حقیقتی است که طی آن ارزش‌های مادی و الهی به طور یکسان و

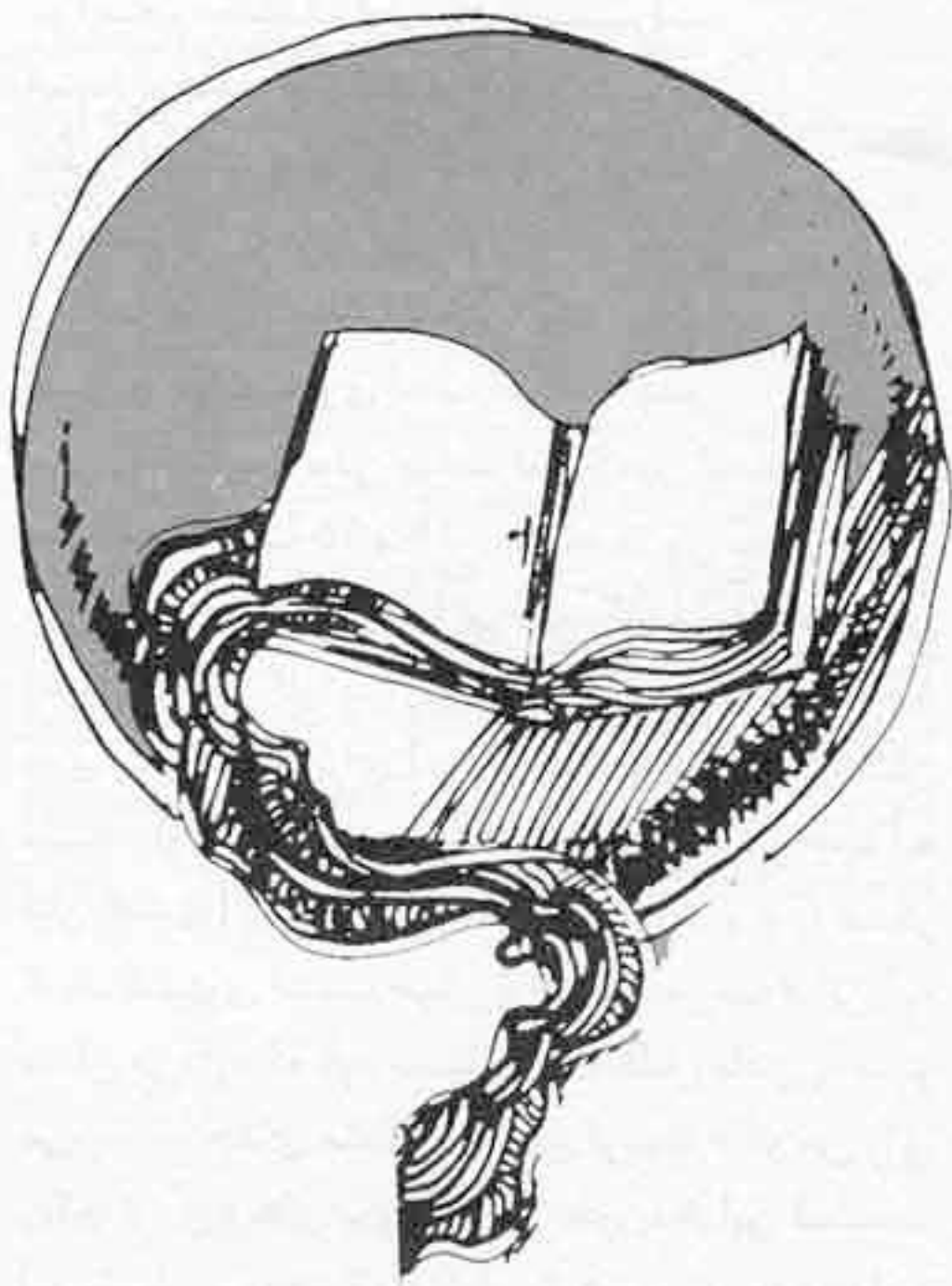
دین با پیشرفت مخالف نیست؛ چراکه در آیات مختلف قرآن بحث پیشرفت انسان، جامعه و توسعه جوامع بشری مطرح است. بنابراین اساساً دین توسعه و پیشرفت را مورد نهی قرار نداده است و بلکه یکی از مطالبات دین، پیشرفت انسان و جوامع بشری است.

همزمان رشد پیدا می‌کنند و از هم قابل انفکاک نیستند. اگر این گونه به پیشرفت نگاه کنیم، تفاوت نگاه ما با نگاه‌های مادی و ماتریالیستی، اعم از نگاه لیبرالیستی و مارکسیستی، معلوم می‌شود. مارکسیسم، پیشرفت را تحقق ماتریالیسم تاریخی می‌داند که در پنج مرحله تاریخ بشری تحقق پیدا می‌کند و آنان ارزش‌های الهی و انسانی را دخیل در پیشرفت نمی‌دانستند و حتی آن را مانع و مزاحم پیشرفت می‌دانستند؛ چنان‌که مارکس دین را افیون توده‌ها می‌دانست. کسانی که نگاه‌های برخاسته از لائیسزم به دین دارند، برخی از ارزش‌های دینی را می‌پذیرند و برخی دیگر را نمی‌پذیرند و در واقع بین ارزش‌های دین تبعیض قائل می‌شوند.

نکته دیگری که می‌توان آن را در ماهیت تفکر یا ماهیت پیشرفت اسلامی مورد لحاظ قرار داد، بحث محور توسعه است. در نگاه دین و اسلام، محور توسعه، توسعه انسانی است؛ یعنی تمام جهات محور توسعه، متوقفند بر توسعه انسانی. در جامعه‌ای که افراد آن از رشد و کمال برخوردار نبوده و اهل سعادت و ارزش‌های معنوی نباشند، توسعه و پیشرفت اسلامی محقق نخواهد شد. به عبارت دیگر، اگر مفاهیم غربی را اخذ کنیم و دانشگاه‌ها و مراکز علمی خود را در خدمت آموزش فرهنگ و مبانی توسعه غربی قرار دهیم، هرچند در ظاهر به پیشرفت‌هایی دست یابیم، توسعه اسلامی صورت نمی‌گیرد؛ زیرا توسعه انسانی تحقق پیدا نکرده است. بنابراین محور اصلی در توسعه اسلامی، توسعه انسانی است و تمرکز باید بر روی انسان‌سازی باشد. برای نیل به توسعه اسلامی، دانشگاه‌ها باید اسلامی شوند و نظریاتی که در دانشگاه‌ها در حوزه‌های مختلف

مطرح می‌شود، باید برآمده از متن اسلامی باشد. اگر ما به این مرحله نرسیم، توسعه اسلامی محقق نمی‌شود. اما آیا توسعه تقلیدی است یا تأسیسی؟ در قرآن مقلدین کسانی هستند که توانایی علمی دارند، اما جلوی رشد و ارتقائشان گرفته شده است. واژه مستضعف با ضعیف تفاوت دارد. ضعیف کسی است که توانایی ندارد، اما مستضعف کسی است که توانایی دارد، ولی جلوی توانایی او گرفته شده است.

بحث دیگر، بحث هدف پیشرفت است. نمی‌توان هدف پیشرفت را از هدفی که خداوند برای آفرینش بیان کرده و انبیا (ع) را براساس آن به رسالت مبعوث کرده است، تفکیک کرد. قرآن می‌گوید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا؛ او است آن کسی که آنچه در زمین است، همه را برای شما آفرید». همچنین در قرآن می‌خوانیم: «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَ إِلَيْهِ النُّشُورُ؛ او است کسی که زمین را برای شما رام گردانید، پس در فراخنای آن رهسپار شوید و از روزی [خدا] بخورید و رستاخیز به سوی او است». این آیات نشان می‌دهد که نمی‌توان



بعد مادی پیشرفت را انکار کرد. اما پیشرفت مادی هدف نهایی توسعه تلقی نمی‌شود. باید هدف پیشرفت را در هدف انبیا (ع) جست‌وجو کرد. هدف بعثت انبیا (ع) تعلیم و تزکیه جامعه و افراد است که در این زمینه بحث جامعه حکیم و برقراری قسط و عدالت مطرح است. البته عنوان قسط معمولاً در حوزه اقتصاد مطرح می‌شود، برخلاف عدل که عام بوده و شامل همه موارد می‌شود. هدف دیگر انبیا (ع) برداشتن سختی‌ها و دشواری‌ها از دوش امت است. به سخن دیگر، در جامعه مرفه، فقط رفاه مادی انسان‌ها تأمین نمی‌شود، بلکه فشارها و غل و زنجیرهایی که بر اثر استعمار و استبداد به وجود می‌آید، از دوش افراد برداشته می‌شود. اگر در پیشرفت تحقق رسالت انبیا (ع) و فلسفه خلقت انسان مطرح باشد، توسعه و پیشرفت مادی و معنوی، با محوریت توسعه انسانی و زیربنای اندیشه دینی شکل می‌گیرد. منشأ این اندیشه دینی قرآن، سنت و عقل سلیم است. چنانچه با مبانی دینی به توسعه نگریسته شود، هم توسعه مادی شکل می‌گیرد و هم توسعه معنوی. ساختار و هدایت این توسعه بر عهده دین است.

دین با پیشرفت مخالف نیست؛ چراکه در آیات مختلف قرآن بحث پیشرفت انسان، جامعه و توسعه جوامع بشری مطرح است. بنابراین اساساً دین توسعه و پیشرفت را مورد نهی قرار نداده است و بلکه یکی از مطالبات دین، پیشرفت انسان و جوامع بشری است. اما آنچه مهم

است، متناسب بودن پیشرفت با دین است. در سوره مبارکه سبأ آیات ۱۵ و ۱۶، خداوند جریان سبأ را مطرح می‌کند: «لَقَدْ كَانَ لِنِسَاءٍ فِي مَسْكِنُهُمْ آيَةٌ جَنَّاتٍ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبٌّ غَفُورٌ؛ قطعاً برای مردم سبأ در محل سکونتشان نشانه ارحمی بود: دو باغستان از راست و چپ آبه آنان گفتیم: از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید. شهری است خوش و خدایی آمرزنده». این آیه بیان می‌دارد که قوم سبأ در رفاه کامل مادی به سر می‌بردند و خدای متعال به آنان فرمود: «کَلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ؛ از روزی‌های پروردگارتان بخورید». این قسمت آیه نشان می‌دهد که منشأ پیشرفت و توسعه، خداوند است. پس یکی از محورهای معیارها برای گام برداشتن

دین با پیشرفت مخالف نیست؛ چراکه در آیات مختلف قرآن بحث پیشرفت انسان، جامعه و توسعه جوامع بشری مطرح است. بنابراین اساساً دین توسعه و پیشرفت را مورد نهی قرار نداده است و بلکه یکی از مطالبات دین، پیشرفت انسان و جوامع بشری است.

در مسیر پیشرفت، دانستن این نکته است که خداوند متعال منشأ و مبدأ پیشرفت است و دیگر اشیاء به‌عنوان ابزار برای پیشرفت تلقی می‌گردند. در ادامه قرآن بیان می‌دارد که قوم سبأ از عبادت و شکر پروردگار اعراض کردند، در نتیجه عذاب خدا بر آنها نازل شد. اگر پیشرفت



را نعمت، لطف و منتی الهی بدانیم، پیشرفت ما دائمی و زوال‌ناپذیر خواهد بود؛ زیرا به ابدیت اتصال دارد. اما اگر شالوده تمدن براساس مادیات ریخته شد، هر چقدر هم قدرتمند باشد، زوال خواهد پذیرفت. چنان‌که امروزه شاهد زوال قدرت غرب هستیم؛ زیرا به پیشرفت مادی متکی و از ارزش‌های الهی به دور است. بنابراین پیشرفت متناسب با دین، پیشرفتی است که منشأ آن خداوند است.

یکی از ویژگی‌های پیشرفت اسلامی این است که عدالت همدوش با توسعه رشد یابد. از نگاه اسلام، خداوند عالم را براساس عدل آفریده است. اگر عدل الهی نباشد، آسمان و زمین قوامی پیدا نمی‌کند و خداوند عدل را از انسان‌ها به شدت مطالبه کرده و حتی یکی از اهداف

بعثت انبیا (ع) را اقامه قسط و عدل معرفی کرده است و در بسیاری از آیات قرآن، خداوند به ستمگران و ظالمان هشدار می‌دهد. در سوره مبارکه حج آیه ۴۵ خداوند می‌فرماید: «فَكَأَيُّ مَن قَرِيهٍ أَهْلَكْنَاهَا وَ هِيَ ظَالِمَةٌ فَرِيهٍ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَ بَنرٌ مُّعْتَلَةٌ وَ قَضِرَ مَشِيدٌ؛ و چه بسیار شهرها را - که ستمکار بودند - هلاکشان کردیم و اینک آن شهرها | سقف‌هایش فرو ریخته است، و آنچه بسیار | چاه‌های متروک و کوشک‌های افراشته را». این آیه بیان می‌دارد که اگر همزمان با توسعه و پیشرفت، عدالت در جامعه ایجاد نشود، پیشرفت‌های مادی و معنوی به حال انسان سودی نخواهد داشت. کما اینکه در قیام ۹۹ درصدی در امریکا شاهد چنین قضیه‌ای هستیم؛ ۹۹ درصد جامعه علیه یک درصد دیگر که ظالم هستند، قیام کرده‌اند. خداوند در سوره مبارکه انبیا آیه ۱۱ نیز می‌فرماید: «وَ كَمْ قَصَمْنَا مِن قَرِيهٍ كَانَتْ ظَالِمَةٌ وَ أَنشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ؛ و چه بسیار شهرها را که مردمش | ستمکار بودند درهم شکستیم، و پس از آنها قومی دیگر پدید آوردیم». ظلم باعث نابودی جوامع می‌شود؛ هر چند رشد اقتصادی و صنعتی در این جوامع به نهایت خود رسیده باشد. بنابراین یکی از شاخصه‌های پیشرفت اسلامی، حاکمیت عدل است. موضوعی که شریعت از انسان‌ها مطالبه می‌کند.

در قرآن کریم بحث توسعه ارتباطات مطرح است. جامعه پیشرفته از نظر قرآن جامعه‌ای است که ارتباط وسیعی با ملت‌ها داشته باشد. امروز بحث دیپلماسی مردمی به جای دیپلماسی دولتی مطرح شده که مسئله بسیار مهمی است. نکته جالب آنکه در قرآن کریم به توسعه هنر و مسائل هنری نیز توجه شده است. قرآن درباره حضرت سلیمان (ع) می‌فرماید: «يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَ تَمَاثِيلٍ وَ جَفَانِ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورِ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِي الشُّكُورِ؛ آن متخصصان | برای او هر چه می‌خواستند از نمازخانه‌ها و مجسمه‌ها و ظروف بزرگ مانند حوضچه‌ها و دیگ‌های چسبیده به زمین می‌ساختند. ای خاندان داوود، شکر گزار باشید و از بندگان من اندکی سپاس‌گزارند». بحث رشد و توسعه کشاورزی و توسعه سدسازی نیز از دیگر بحث‌هایی است که در قرآن به آن توجه جدی شده است. خداوند در قرآن از رشد صنعتی که به برخی از انبیا (ع) عطا کرده، با عنوان نعمت یاد می‌کند. اما در کنار این توسعه مادی،

خداوند در قرآن از رشد صنعتی که به برخی از انبیا (ع) عطا کرده، با عنوان نعمت یاد می‌کند. اما در کنار این توسعه مادی، بحث در هم تنیدگی آن با توسعه معنوی و ارزش‌های الهی نیز مطرح است.

بحث در هم تنیدگی آن با توسعه معنوی و ارزش‌های الهی نیز مطرح است. به عبارت دیگر، توسعه مادی باید هدف‌گذاری شود. هدف نهایی توسعه مادی نزدیک کردن انسان‌ها به هدف خلقت است و اجرای بهتر عدالت و زمینه‌سازی برای توسعه فرهنگی در جامعه. دین علاوه بر آنکه مجموعه‌ای از آموزه‌های مادی و معنوی است، به زندگی انسان معنا می‌دهد و تمام رفتار و عملکرد افراد را متأثر از خود می‌کند. به سخن دیگر، در حوزه عبودیت الهی، بنده خداوند تمام رفتار خود را از جمله رفتارهای فردی، خانوادگی و اجتماعی خود را با اراده الهی منطبق می‌کند. در نگاه دینی، عبادت معنایی عام دارد. در تمام کارها و فعالیت‌ها می‌توان قصد قرب الهی کرد. اگر این معنادهی دین را مورد توجه قرار دهیم، می‌توانیم در همه مراحل پیشرفت قصد تعبد داشته باشیم.

نکته دیگر اینکه دین نظام و مجموعه اندیشه‌های به هم پیوسته‌ای است که زاینده رفتارهای بهم پیوسته است. یعنی از مبدائی بهم پیوسته سرچشمه می‌گیرد و محصول خروجی آن نیز محصولی بهم پیوسته است. این در هم تنیدگی تفکر دینی، نظام دینی را به وجود می‌آورد. در نتیجه باید نگاه جامع و کامل و همه‌جانبه به دین را جایگزین نگاه جزیره‌ای و تبعیض‌آمیز کنیم تا به پیشرفتی همه‌جانبه دست یابیم.

پی‌نوشت

۱. بقره: ۲۹